

نشست علمی کارشناسی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
دانشگاه تهران
و
انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(کارگروه اوراسیای مرکزی)

۴ آذر ۱۳۹۹

گزارش کامل



نشست علمی-کارشناسی

پیامدهای توافق جدید مسکو-باکو-ایروان پیرامون قره‌باغ برای ایران

وبینار با حضور



سید محمدرضا دماوندی

رئیس انجمن دوستی ایران و ارمنستان



دکتر بهرام امیراحمدیان

استاد مدعو دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران



گزارش کامل

نشست علمی-کارشناسی "پیامدهای توافق جدید مسکو-باکو-ایران پیرامون قره‌باغ برای ایران" از سوی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی)، در تاریخ ۴ آذر ۱۳۹۹ به صورت وینار برگزار شد. در این نشست دکتر بهرام امیراحمدیان استاد مدعو دانشگاه تهران و سیدمحمدرضا دماوندی رئیس انجمن دوستی ایران و ارمنستان، به طرح نقطه نظرهای خود پرداختند. مدیر نشست نیز دکتر الهه کولایی بود.

در نود و دومین نشست علمی-کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی، دکتر الهه کولایی ابتدا از دکتر امیراحمدیان و آقای دماوندی برای حضور در نشست تشکر کردند. سپس با مقدمه‌ای در مورد منازعه قره‌باغ و پیامدهای توافق جدید بین سه کشور روسیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای ایران، از دکتر امیراحمدیان خواستند که به طرح مباحث خود بپردازند.

The screenshot displays a Zoom meeting interface. The main window shows a presentation slide with logos of the Center for Eurasian Studies, the Iranian Studies Association, and the Caucasus Studies Association. The slide title is "پیامدهای توافق جدید مسکو-باکو-ایران پیرامون قره‌باغ برای ایران". It features portraits of Vladimir Putin, Ilham Aliyev, and Serzh Sargsyan, and mentions "دکتر بهرام امیراحمدیان" and "سید محمد رضا دماوندی". A "Attendees (34)" list is visible on the right, including names like Ahmad Rashidi, asheghian, and Parviz Nematov. A chat window shows messages in Persian.

دکتر امیراحمدیان ابتدا به پیشینه منازعه قره‌باغ پرداختند: «درگیری‌های قره‌باغ در آستانه فروپاشی شوروی اتفاق افتاد. در دوره شوروی در تقسیمات کشوری هر یک از جمهوری‌های متحد، در ارتباط با ترکیب

تعداد و قومیت‌های آن، علاوه بر واحد اصلی که قلمرو منطقه، ناحیه، یا استان خودمختار بود، در درون جمهوری‌ها به نواحی قومی-زبانی که نسبت به جمعیت اصلی در اقلیت بودند، خودمختاری اعطا می‌شد. این واحدهای خودمختار در درون جمهوری‌ها، در ارتباطی با بزرگی و کوچکی به سطح اداری سیاسی جمهوری خود مختار یا استان خود مختار ارتقا داده شده و در آن تشکیلات اداری خاص با سطحی از خودمختاری تعریف می‌شد. بخش کوچکی از قلمرو جمهوری آذربایجان در غرب که با تخصیص بخشهایی از قلمرو جمهوری آذربایجان به جنوب جمهوری ارمنستان پیوسته شده بود (برای هم‌مرز شدن با مرزهای بین‌المللی ایران) از خاک اصلی جدا و به نام جمهوری خودمختار نخجوان، سطح «جمهوری خودمختار» به آن داده شد. در این میان به بخشی از خاک جمهوری آذربایجان در منطقه قره باغ (کوهستانی) که ارمنی‌نشین بود، سطح «استان خودمختار» در داخل خاک جمهوری آذربایجان داده شد.

برخی از این تقسیم‌ها با دیدگاه‌های سیاسی انجام شده بود که در دوره شوروی به عنوان آتش زیر خاکستر باقی ماند و دولت شوروی این بحرانها را با قدرت تمام مدیریت می‌کرد. قره باغ یکی از این نقاط بحرانی بود که مورد ادعای ارمنستان بود و جمهوری آذربایجان با این ادعا مخالفت می‌کرد. در آستانه فروپاشی، ارمنه خواستار استقلال بیشتر شدند و مجلس محلی، استقلال و پیوستن به قره باغ به جمهوری ارمنستان را اعلام کرد. پارلمان ارمنستان نیز پیوستن قره باغ به ارمنستان را تصویب کرد. اما جمهوری آذربایجان با در نظر گرفتن قانون اساسی این جمهوری و قانون اساسی اتحاد شوروی، سطح صلاحیت مجلس استان خودمختار را مورد خطاب قرار داده و اعلامیه استقلال را لغو کرد و این مسأله را به کمیته مرکزی حزب کمونیست سپرد. کمیته مرکزی

حزب نیز اعلامیه استقلال و پیوسته شدن استان خودمختار قره باغ به ارمنستان را رد کرد. به این ترتیب استقلال قره باغ رسمیت نیافت و در طول دوره حکومت شوروی، قره باغ بخشی از خاک آذربایجان باقی ماند. این مسأله به گره کور تبدیل شد.»

ایشان گفتند: «در اولین کنفرانس بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز در وزارت امور خارجه در سال ۱۳۷۳ که در آن درباره قره باغ سخنرانی داشتم، درباره تعلق قانونی قره باغ به جمهوری آذربایجان مطالبی را ارائه دادم. حتی وزیر خارجه وقت ارمنستان که در همایش شرکت داشت نسبت به این موضوع اعتراض کرد در حالی که شرکت‌کنندگان از جمهوری آذربایجان از آن استقبال کردند. در جریان این همایش با یادداشتی به معاون وزیر امور خارجه در مورد اهمیت قره باغ و امکان تداوم بحران و تبدیل شدن قره باغ به گره کور ژئوپلیتیکی در شمال غرب ایران هشدار داده و بر لزوم چاره‌اندیشی و انجام تدابیر لازم و هوشیاری بیشتر تاکید کردم. در این یادداشت به ایشان گفتم باید در این مورد قاطعانه برخورد کنیم چون در غیر این صورت مسأله قره باغ تبدیل به «گره ژئوپلیتیکی» می‌شود.

بحران ادامه یافت و با پیشروی آرامنه و اشغال خاک جمهوری آذربایجان از سوی ارتش ارمنستان، بخش زیادی از خاک این جمهوری در پیرامون استان خودمختار قره باغ کوهستانی، علاوه بر منطقه قره باغ، به اشغال ارتش ارمنستان درآمد. در ماه مه ۱۹۹۴، از سوی گروه مینسک "کنفرانس (بعدها سازمان) امنیت و همکاری در اروپا" با ریاست هیاتی از کشورهای آمریکا، فرانسه و روسیه آتش‌بس برقرار شد. از سال ۱۹۹۷ تاکنون، به جز اقدام‌های دیپلماتیک و بدون نتیجه انجام نگرفته است.

سیاست خارجی جمهوری آذربایجان حل مساله از مجاری دیپلماتیک بود. پس از مرگ حیدر علی‌اف فرزندش الهام علی‌اف (رئیس جمهور کنونی) به جای پدر نشست. الهام علی‌اف به طور رسمی سیاست پدر را دنبال کرد و بر این باور ایستاده بود که منازعه قره‌باغ باید از مجاری دیپلماتیک و چارچوب پذیرفته شده سازمان ملل متحد حل شود. جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۵ (که پروژه بزرگ نفت باکو را شروع کرد) جذب سرمایه خارجی را آغاز و مسأله قره‌باغ را مدتی رها کرد. جمهوری آذربایجان پس از گذشت ۲۶ سال از اعلام آتش‌بس و نرسیدن به هر نوع راه حل منطقی، متوجه شد که از راه دیپلماتیک نمی‌تواند کاری کند. در این دوره جمهوری آذربایجان ارتش ملی خود را سر و سامان داده و سرمایه‌گذاری‌های متعددی در تشکیلات ارتش خود انجام داده بود، از جمله تربیت نیروی انسانی ورزیده، تامین تجهیزات و تسلیحات ارتشی کارآمد. این کشور با کمک گرفتن از ترکیه و واردات تکنولوژی ساخت و اجرای پهباد از اسرائیل و ترکیه و تقویت نیروی هوایی خود توانست دست به حمله گسترده‌ای برای بازپس‌گیری سرزمینهای اشغالی در قره‌باغ و شهرستانهای پیرامون اقدام کند.

هنگامی که جمهوری آذربایجان در خاک قره‌باغ پیشروی کرد و به شهر استراتژیک شوشا در داخل منطقه قره‌باغ کوهستانی رسید، روسیه وارد عمل شد تا از وخامت اوضاع بکاهد. موافقتنامه صلح سه جانبه بین طرفین درگیری و روسیه به امضای سران سه کشور رسید. بر اساس این قرارداد ۹ ماده‌ای، آتش‌بس برقرار شد. بنا به ادعای نخست وزیر ارمنستان، وی برای نجات ۲۵ هزار نیروی نظامی از کشته شدن در جنگ تن به این سازش داده است. اقدام روسیه هر چند برای برقراری صلح کارساز بود، ولی اقدامی یکجانبه تلقی می‌شود به طوری که در میزگرد هفته گذشته، مقام‌های وزارت خارجه جمهوری آذربایجان گفتند که

پیمان صلح باید در شورای امنیت سازمان ملل و آن‌هم به‌طور قانونی، با گروه مینسک (به عنوان ناظر آتش بس) امضا شود. بنابراین روسیه صلاحیت اعلام و نظارت بر آتش بس را ندارد.

ایشان گفتند: «خیلی‌ها ایران را به جانبداری از ارامنه متهم می‌کنند. اگرچه ایران در رود ارس پل دوستی بنا کرد و امکان ارتباط ارمنستان با جهان خارج را فراهم کرد و ملت ارامنه هم خود را مدیون اقدام‌های ایران می‌دانند و از مقام رهبری هم تشکر کردند، اما جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که جمهوری آذربایجان و ارمنستان هردو همسایه ما هستند و ما خواستار رابطه خوب با دو کشور هستیم. در برابر ادعا و اعتراض مقام‌های آذری به بنای این پل برای دشمن آذری‌ها، ایران راهرو ارتباطی از نخجوان به جمهوری آذربایجان در داخل خاک خود را در اختیار جمهوری آذربایجان گذاشت. جمهوری آذربایجان از این اقدام ایران سخنی به میان نمی‌آورد و اقدام ایران را قدر نمی‌شناسد. این نشان از حسن نیت ایران است. در مطبوعات و رسانه‌های اجتماعی صحبت از این است که ایران نوار مرزی خود را از دست داده‌است! این افراد توجه ندارند که ایران در شمال غربی از نقطه تلاقی مرز نخجوان با ترکیه حدود ۱۶۰ کیلومتر با نخجوان، ۴۰ کیلومتر با ارمنستان و در ادامه تا بیله سوار و از آنجا در امتداد کوه‌های تالش تا دریای خزر مرز مشترک دارد. چگونه ایران نوار مرزی خود را از دست داده است؟ این یک سخن نادرست و غیرکارشناسی است.

در برابر تخصیص دالان لاجین برای برقراری ارتباط ارامنه ساکن در قره باغ کوهستانی با خاک ارمنستان، دلانی به طول ۵ کیلومتر در خاک جمهوری آذربایجان برای ارتباط با ارمنستان تخصیص داده شده است. در ماده ۹ توافق قره‌باغ، ارمنستان در جنوب قلمرو خود به نخجوان یک دالان می‌دهد تا با جمهوری آذربایجان ارتباط برقرار کند. در برخی

رسانه‌ها عنوان شده که ایران امنیت مرزی‌اش را با این ابتکار از دست داده‌است. این‌طور نیست بلکه دالان حمل و نقل با مقررات گمرکی کنترل می‌شود و دارای بازرسی است. ورود و خروج از قلمرو ارمنستان - بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان - توسط مرزبانی ارمنستان و اداره گمرک و نیروی پاسدار صلح روسی کنترل می‌شود. این نگرانی که ممکن است ترکیه برای کمک نظامی و برقراری ارتباط با آسیای مرکزی از این دالان و حذف راه‌های ترانزیتی ایران استفاده کند، توهمی بیش نیست و این امکان نمی‌تواند برای ترکیه فراهم باشد».

ایشان در مورد سیاست ترکیه و ایران گفتند: «این ادعا که ایران اقدامی نکرده و ترکیه وارد عمل شده است، درست نیست. به علاوه ساختن دالان از ترکیه امکان ندارد. راه‌های ارتباطی ایران آسان، فنی و اقتصادی‌تر هستند، چون کشور ما با جمهوری آذربایجان و ارمنستان مرز مشترک دارد». دکتر امیراحمدیان در مورد فرصت‌های پیش آمده برای ایران، گفتند: «ایران یک قدرت منطقه‌ای است و توانایی حفاظت از مرزهای خود را دارد. منطقه به‌ویژه کشورهای محصور در خشکی به ما نیاز دارند. این توافق جدید به منافع ایران لطمه‌ای وارد نمی‌کند. هرگونه تحلیل در این زمینه باید منطبق با واقعیت‌ها باشد. اکنون که صلح برقرار شده است، پوتین اعلام کرده که وضع قره‌باغ حل نشده است. روس‌ها همچنان با ترکیه مشکل دارند و اجازه اقدام مستقل به این کشور نمی‌دهند. در مورد فرصت‌های فراروی ایران می‌توان گفت با توجه به مسافت کم ایران با جمهوری آذربایجان و توانایی ایران در راه و ساختمان‌سازی، اتاق بازرگانی فعال در تبریز و ارومیه و اردبیل می‌توانند به کمک جمهوری آذربایجان بیایند. زیرا شرکت‌های خصوصی راحت‌تر از شرکت‌های دولتی فعالیت می‌کنند. ایران علاقمند است در توسعه و بازسازی به جمهوری آذربایجان کمک کند. در زمینه عملیات مین‌زدائی از مناطق

اشغالی آزاد شده، ارتش ایران دارای تجربه‌های ارزشمند بین‌المللی است که می‌تواند از سوی جمهوری آذربایجان مورد استفاده قرار گیرد. بدون راه‌حل برای صدها هزار مین کارگذاشته شده از سوی ارمنستان در مناطق اشغالی آذربایجان، امکان عادی شدن شرایط، بازگشت رانده‌شدگان از خانه و کاشانه و آغاز فعالیت اقتصادی و زندگی عادی فراهم نخواهد بود».

در ادامه آقای دماوندی رییس محترم انجمن دوستی ایران و ارمنستان به سخنرانی پرداختند. ایشان گفتند: «در مورد این جنگ دو موضوع مطرح است: نخست پیامدهای جنگ قره‌باغ برای ایران و دوم پیامدهای توافق برای ایران. در مورد پیامد جنگ، بحث حضور نیروهای تکفیری در شمال غربی ایران مطرح است که با این اقدام، از حضور تروریسم در مرزهای ایران حساسیت‌زدایی کردند. رزمایش نظامی ترکیه و اسرائیل و تثبیت موقعیت اسرائیل در جمهوری آذربایجان نیز مطرح است. برگزاری جشن پیروزی در باکو و برافراشته شدن پرچم اسرائیل، نشانه تثبیت موقعیت اسرائیل در جمهوری آذربایجان است».

آقای دماوندی در مورد پیامدهای توافق برای ایران، بند نهم توافق را مربوط به ایران و موثر بر منافع ایران دانستند و گفتند: «در این مورد دو جنبه مثبت و منفی را باید در نظر گرفت. در مورد جنبه منفی باید گفت که آیا این دالان فقط یک جاده ساده ترانزیتی است؟ پنج کیلومتر حریم این دالان است، بنابراین این دالان تنها یک جاده ساده نیست. سال ۲۰۱۰، گفتگوهایی بین جمهوری آذربایجان و ترکیه در مورد ساختن خط لوله گاز با ظرفیت ۲ میلیارد مترمکعب صورت گرفت که تا بهمن ماه سال گذشته مسکوت مانده بود. این خط لوله قرار است تا یک سال دیگر در سال ۲۰۲۲، به بهره‌برداری برسد. پس چه ضرورتی برای ساختن این دالان از نخجوان به جمهوری آذربایجان وجود دارد؟ با ساختن این خط

لوله، ترکیه هرگز به گاز ایران نیاز نخواهد داشت. در نتیجه انتقال گاز ایران به اروپا هم صورت نخواهد گرفت. اگر این خط لوله از ارمنستان عبور کند، سهمی به ارمنستان می‌رسد و تقاضا برای گاز ایران کاسته خواهد شد. بنابراین، ایران در عمل صادرکننده گاز نخواهد بود. اتفاق دیگر، شعار "به سوی شرق" اردوغان است. این دالان آرزوی ترکیه را محقق خواهد کرد. به این معنا که برای حمل و نقل از ترکیه به جمهوری آذربایجان نیازی به ایران نخواهد بود».

ایشان گفتند: «ترتیب رویدادها و شواهد نشان می‌دهد از پیش برای چنین روزی برنامه‌ریزی شده بود. همچنین جایگاه ایران در این توافق محل ابهام است. حضور روسیه مشخص است و جایگاهش را در منطقه قفقاز محکم می‌کند، اما جایگاه ایران چیست؟». ایشان در مورد پیامدهای این توافق ابراز نگرانی کردند و در مورد جنبه مثبت توافق گفتند: «اگر این دالان کاربردی است و می‌تواند به شرایط صلح کمک کند، چرا دالان‌ها را توسعه ندهیم؟».

در ادامه دکتر کولایی گفتند: «هر دو سخنران نکته‌های مهمی را مطرح کردند. جنبه مثبتی که آقای دماوندی مطرح کردند بسیار خوب است اما تجربه ۳۰ ساله ما به‌ویژه بعد از تبدیل شدن ترکیه به مرکز انرژی و حمل‌ونقل و از طرفی طرح یک کمربند یک راه چین، برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از منافع برحقش بوده است. هنر ایران باید عملی کردن و استفاده از ظرفیت‌های موجود باشد. من نمی‌توانم جنبه مثبت را با توجه به واقعیت‌ها و تجربه‌ها بپذیرم».

در پایان نشست حاضران نقطه‌نظرها و پرسش‌های خود را طرح کردند.

آقای دماوندی در پاسخ به این پرسش که واکنش روسیه در برابر احتمال ساختن خط لوله گاز از باکو به نخجوان چیست؟ گفتند: «گاز اروپا از راه جمهوری آذربایجان تأمین می‌شود. خط لوله تاناب، تاپ و... انرژی را به اروپا می‌رساند پس ساختن خط لوله گاز از باکو به نخجوان رخداد جدیدی نیست که برای روسیه تازگی داشته‌باشد. خط لوله جدید، حجم انتقال گاز به اروپا را افزایش و قیمت را کاهش می‌دهد».

دکتر امیراحمدیان گفتند: «ساختن خط لوله زمان زیادی خواهد برد و نیاز به سرمایه‌گذاری زیادی دارد. ایران ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز ترکمنستان را به ارمنستان منتقل می‌کند. ساختن دالان هم زمان‌بر است و نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. پاشینیان به ماده ۹ توافق اعتراض کرده‌است و به پوتین گفته می‌خواهیم بند ۹ توافق را حذف کنیم. در مورد دالان، منظور از عبور و مرور آزادانه یعنی دولت صاحب پرچم مانع عبور آزادانه نشود. در ورود و خروج از دالان‌ها بازرسی صورت می‌گیرد، به‌نظر ما باید تعمق کنیم. دالان به معنی اعطای حاکمیت عبور و مرور به کشور دیگر نیست و عبور و مرور طبق مقررات کشور صاحب پرچم است. اما نکته اساسی این است که روسیه در منطقه نقش اصلی را دارد و ۲۰۰۰ نیروی نظامی را دوباره وارد منطقه کرده‌است. در واقع هدف روسیه، جلوگیری از پیشروی جمهوری آذربایجان است». در پایان این نشست، دکتر کولایی از حضور دکتر بهرام امیراحمدیان و آقای سیدمحمدرضا دماوندی سپاسگزاری کردند.

پایان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

cces@ut.ac.ir

تارنما:

cces.ut.ac.ir

Center for Central Eurasia Studies

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: cces@ut.ac.ir

Email: cces@ut.ac.ir

Tel No: +982166419704